

## اهداف رژیم صهیونیستی از مناسبات با دولت باکو

سرویس آذربایجان / خبرگزاری آران  
 طی 15 ساله گذشته، رژیم نژادپرست اسرائیل از جمله بازیگرانی بوده است که به دلایل متفاوت کوشیده است تا به هر نحو ممکن، نفوذ خود را در منطقه قفقاز به ویژه جمهوری آذربایجان (جمهوری آذربایجان) گسترش دهد. اقدام به توصیه بن گوریون مبنی بر لزوم توسعه روابط اسرائیل با کشورهای غیرعربی نزدیک به خاورمیانه، وجود ذخایر عظیم انرژی در سواحل باکو و انتقال یهودیان اطراف باکو به سرزمین های اشغالی، بخشی از دلایل تلاش اسرائیل برای گسترش نفوذ در جمهوری آذربایجان است.

یکی از مهم ترین دلایل تلاش اسرائیل برای نفوذ بیشتر در ساختار دولت باکو و گسترش نفوذ در جمهوری آذربایجان، وجود مرز طولانی و منحصر به فرد جمهوری آذربایجان با ایران به عنوان کشوری که تل آویو بارها آن را مهم ترین دشمن اسرائیل عنوان کرده است، می باشد. جمهوری آذربایجان به خاطر داشتن اشتراکات فراوان با ایران و علاقه و ارادت مردم این سرزمین به ایران، به شدت اسرائیل را نگران ساخته است. از این رو نیز هرگاه گامی برای گسترش مناسبات تهران - باکو برداشته می شود، محافل وابسته به صهیونیسم در باکو تلاش می کنند که با تبلیغات منفی در مناسبات دو کشور خلل ایجاد کنند. این موضوع در سفر سال 2004 (1383) آقای سیدمحمدخاتمی، رئیس جمهوری وقت ایران، به باکو و هم در سفر سال 2005 (1384) الهام علی اف، رئیس جمهور آذربایجان، به تهران قابل لمس بود. اساساً سیاست ایران ستیزی و تخریب وجهه ایران در باکو و طرح مسائلی خیالی نظیر «آذربایجان بزرگ!» و فعالیت گروهک های ضدایرانی با حمایت های مالی و معنوی رژیم صهیونیستی در باکو صورت می گیرد. جمهوری اسلامی ایران به دلیل پیوندها و امتیازهای تاریخی، فرهنگی و جغرافیایی که با منطقه آسیای مرکزی و قفقاز دارد، برای حضور در منطقه از موقعیت مناسبی برخوردار است. طبیعی است حضور همه جانبه ایران در منطقه به عنوان اصلی ترین کشور مخالف رژیم صهیونیستی، وزنه را به سود جبهه ضد صهیونیستی در جهان تغییر خواهد داد. در نتیجه، مقابله با حضور ایران در منطقه یکی از اهداف امنیتی تنش زای اسرائیل در منطقه قفقاز و آسیای مرکزی می باشد. رژیم صهیونیستی کوشش می کند تا ایران را خطری برای باکو نشان دهد و با استفاده از این سیاست فریب آمیز، باکو را برای همکاری گسترده تر با خود همراه سازد. این در شرایطی است که ایران همواره حامی جمهوری آذربایجان (جمهوری آذربایجان) بوده و حمایت های سیاسی تهران از باکو در مجامع بین المللی و نیز کمک های اقتصادی ایران به ملت و دولت باکو چه در چارچوب کمیته امداد و چه خارج از آن شاید با هیچ کشور دیگری قابل مقایسه نباشد. گفته می شود، رژیم صهیونیستی برای تبلیغات ضدایرانی حتی مطبوعاتی را در باکو اجاره می کند. سفارت اسرائیل در باکو با پرداخت مبلغ قابل توجهی پول به مطبوعات، آنها را به انتشار اخبار کذب علیه ایران ترغیب می کند. برای نمونه، در سال 2004 (1383) یکی از مسئولان سفارت اسرائیل در باکو طی ملاقات های جداگانه ای با مدیران روزنامه های باکو، مقاله ای بی اساس درباره واگذاری منطقه مغان ایران به ارمنستان را همراه یک چک بانکی به عنوان کمک مالی اسرائیل به مطبوعات باکو تحویل داده است. هدف اسرائیل از این اقدام، تحریک افکار عمومی علیه ایران می باشد. برخی از روزنامه های باکو از انتشار خبر مجعول مذکور در ازای دریافت پول خودداری کرده اند، اما تعدادی از مطبوعات باکو از همکاری کامل خود با سفارت اسرائیل خبر داده و مقاله مذکور را به همراه داستان سازی های جانبی منتشر کرده اند. (1) (جالب این که برخی مطبوعات محلی موسوم به مطبوعات بیگانه گرا در اردبیل که با سفارت باکو در تهران نیز مرتبط بودند، خبرهای سفارت اسرائیل درباره واگذاری مغان به ارمنستان را منتشر کردند!) از مهم ترین اهداف اسرائیل در جمهوری آذربایجان، تلاش برای مقابله با گسترش اسلام گرایی است. منطقه قفقاز به ویژه جمهوری آذربایجان به دلیل شرایط فرهنگی و تاریخی که از آن برخوردار است، بستر مناسبی برای رشد گرایش های اسلام گرایانه دارد. از همان اوایل به استقلال رسیدن جمهوری های قفقاز، نگرانی قدرت های جهانی و منطقه ای مخالف گرایش های اسلامی، به تلاش برای ریشه کن کردن این نوع گرایش ها در منطقه منجر شد. در این میان، اسرائیل که رشد جریان های اسلامی در هر نقطه از جهان را مخالف موجودیت و حیات خویش می داند، تلاش برای مقابله با اسلام گرایی در قفقاز را از اهداف اساسی خود برای نفوذ در این منطقه قفقاز در راستای تحقق بخشیدن به این هدف صورت می گیرد. البته اسرائیل در پیگیری سیاست مقابله با اسلام خواهی در منطقه از پشتیبانی و حمایت برخی دولت های منطقه ای و فرامنطقه ای نیز برخوردار است. رژیم صهیونیستی در کنار مقابله با اسلام گرایی در جمهوری آذربایجان، به دنبال تقویت فرقه های ضاله در این کشور با استفاده از خلأهای متعدد موجود نیز است. در این راستا، تبدیل کردن باکو به پایتخت بهایی ها مورد توجه تل آویو است.

در سال 2005 (1384) فاش شد که بنابر توافقات صورت گرفته میان مقامات اسرائیل و باکو، باکو به مرکز فعالیت فرقه بهائیت تبدیل می شود. پس از پیگیری سفارت اسرائیل و کسب مجوز مقامات باکو، انجمن بهاییان، فعالیت خود را عملاً آغاز کرده است. در عین حال محافل وابسته به صهیونیست ها مارس 2005، اولین لژ فراماسونری را در باکو تشکیل دادند.

یکی از اهداف امنیتی اسرائیل در منطقه قفقاز، گسترش فضای امنیتی خود است. عدم مشروعیت سیاسی اسرائیل در میان بسیاری از کشورهای خاورمیانه سبب شده است تا اسرائیل فضای مناسبی برای تحرک لازم در منطقه را نداشته باشد. در چنین شرایطی، حضور در منطقه قفقاز و آسیای مرکزی با توجه به ویژگی های ژئوپلیتیکی خاصی که این منطقه دارد، انتخاب مطلوبی برای اسرائیل محسوب می شود. در این راستا، تلاش برای جلب همکاری جمهوری های آسیای مرکزی و قفقاز در مجامع بین المللی، کاهش فشارها علیه اسرائیل، خارج کردن خود از بحران مشروعیت سیاسی، جلوگیری از تشکیل جبهه ضد اسرائیلی در منطقه و گسترش سطح تماس با برخی کشورهای اسلامی به منظور ایجاد تفرقه میان آنها، از جمله اهداف اسرائیل در قفقاز محسوب می شود. تسلط بر منابع انرژی جمهوری آذربایجان و مشارکت در پروژه های سودآور اقتصادی و اطلاعاتی (در حوزه های مخابرات، کشاورزی، تجهیزات نظامی و ...) نیز از جمله اهداف رژیم صهیونیستی است.

یکی دیگر از اهداف اسرائیل در قفقاز و آسیای مرکزی، تسهیل مهاجرت یهودیان این منطقه به فلسطین اشغالی به طور خاص و یهودیان مقیم اتحاد جماهیر شوروی سابق به طور عام می باشد. این موضوع از ترس تل آویو در خصوص نابرابر شدن شدید جمعیت مسلمان فلسطینی نسبت به یهودیان ناشی می شود. این نگرانی به ویژه از سال 2001 (1380) با آغاز انتفاضه جدید مردم فلسطین و افزایش میزان مهاجرت یهودیان از سرزمین های اشغالی (پدیده مهاجرت معکوس) بیشتر شده است. به ادعای ایطان نایه (2)، سفیر سابق رژیم صهیونیستی در باکو، حدود هشتاد هزار یهودی در اطراف باکو و سایر مناطق کشور زندگی می کنند. حال آنکه تعداد یهودیان در این منطقه پانزده هزار نفر است. به گفته مقامات باکو نیز از سال (1370) 1991 تا 1384 (2005)، بیش از پنج هزار نفر از یهودیان مقیم در شمال غربی این کشور به ویژه از شهرستان قوبا به فلسطین اشغالی مهاجرت کرده اند. البته آمارهای متناقضی در این خصوص عنوان شده است. گفته می شود در طول این سال ها از سراسر شوروی سابق، بیش از یک میلیون یهودی به فلسطین اشغالی مهاجرت کرده اند. براساس آمار اداره آمار رژیم صهیونیستی در سال 2001 (1380)، 612 یهودی از جمهوری آذربایجان به فلسطین اشغالی مهاجرت کرده اند. در این سال از گرجستان 743 نفر، از ارمنستان 101 نفر، از ترکمنستان 157 نفر، از ازبکستان 2030 نفر، از قزاقستان 98 نفر، از قرقیزستان 2750 نفر، از تاجیکستان 47 نفر، از مولداوی 954 نفر، از اوکراین 14028 نفر، از روسیه 10849 نفر، از روسیه سفید 1988 نفر و از کشورهای بالتیک نیز 668 نفر به فلسطین اشغالی مهاجرت کرده اند. رژیم صهیونیستی تلاش دارد قشر تحصیل کرده و نخبه یهودیان جمهوری آذربایجان را به فلسطین اشغالی بفرستد و از سایر یهودیان ساکن نیز برای اهداف جاسوسی استفاده کند. در این راستا نیز ارتقای

جایگاه یهودیان و ترویج تفکرات صهیونیستی در جمهوری آذربایجان از جمله اهداف رژیم صهیونیستی می باشد. کنفرانس یهودیان در سال (1380) 2001 نیز با چنین هدفی در باکو برگزار شد. اسرائیل با بهره گیری از اقلیت یهودی ساکن و بیشتر در چارچوب فعالیت های اقتصادی در جمهوری قفقاز از آنان به عنوان اهرم نفوذ برای ترویج اندیشه های صهیونیستی استفاده می کند. تبلیغ یهودیت در جمهوری آذربایجان نیز از جمله نتایج مناسبات باکو با رژیم صهیونیستی است. مؤسسات اسرائیلی با شیوه های مختلف از جمله کمک های مالی به خانواده های فقیر و گرسنه، برگزاری مراسم های مختلف سخنرانی و ... به تبلیغ یهودیت پرداخته و کوشش می کنند با جذب مسلمانان مستضعف، تعداد یهودیان را در این کشور افزایش دهند. یهودیان، جمهوری آذربایجان (جمهوری آذربایجان) را یکی از خاستگاه های اصلی قوم یهود معرفی می کنند. از این رو می توان گفت، جمهوری آذربایجان جایگاه خاصی در سیاست خارجی رژیم صهیونیستی دارد و حتی مقامات تل آویو نیز بر آن اذعان کرده اند. برای نمونه، رومان برونفمان(3)، عضو پارلمان اسرائیل و رئیس هیأت اسرائیلی شرکت کننده در مراسم تدفین حیدر علی اف، در سال 1382 (2003) با تأکید بر اینکه حیدر علی اف شخصی بود که کشور را به کشوری معاصر، غربگرا تبدیل کرد افزود که اسرائیل جایگاه خاصی را در سیاست خارجی خود به باکو اختصاص داده و تصمیم مبنی بر اعزام کمیسیون ویژه به باکو نمایانگر احترام عمیق به حیدر علی اف می باشد که کارهای زیادی برای تحکیم روابط دوجانبه انجام داده است.(4)

به باور کارشناسان سیاسی، نیاز جمهوری های منطقه قفقاز به سرمایه و تکنولوژی، وجود رهبران لائیک در منطقه، سانسور جنایات رژیم تروریستی اسرائیل در رسانه های جمعی منطقه و وجود جمعیت یهودیان در منطقه قفقاز و آسیای مرکزی، از عوامل تسهیل کننده حضور اسرائیل در قفقاز جنوبی است. اسرائیل با همیاری ترکیه و آمریکا اهداف توسعه طلبانه ای در منطقه قفقاز جنوبی دنبال می کند که بخشی عمده از آنها برای منزوی کردن ایران و روسیه و جلوگیری از شکل گیری و تثبیت همکاری های جمعی در منطقه و استفاده از اراضی کشورهای منطقه برای انجام اقدامات ضدامنیتی است. اغلب اهداف اسرائیل در منطقه قفقاز جنوبی تنش زا بوده و ترتیبات امنیتی این منطقه را پیچیده می سازد. در واقع رژیم صهیونیستی بنابر ماهیت جنگ طلبانه خود، وضعیت «نه جنگ، نه صلح» در منطقه را زمینه مناسبی برای حضور در این منطقه می داند و در این راستا نیز تلاش می کند. تحرکات مشکوک اسرائیل در رابطه با مناقشات آبخازیا و اوستیای جنوبی و قره باغ از جمله ارتباط با دولت های خودخوانده مناطق و رأی متعصب به تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان (جمهوری آذربایجان) در سازمان ملل نشان دهنده این امر است. حتی تلاش های اقتصادی اسرائیل در منطقه قفقاز نیز ماهیتی سیاسی و امنیتی دارند.

پس از فروپاشی شوروی، رژیم صهیونیستی یکی از بازیگران فعال در رابطه با دولت باکو بوده است. روابط رسمی رژیم صهیونیستی و دولت باکو در سال 1371 (1992) آغاز شد و پس از آن رژیم صهیونیستی کوشیده است در همه زمینه ها مناسبات خود را با باکو گسترش دهد. وجود عناصر رادیکال و ضدایرانی در دولت باکو در اوایل استقلال نظیر ابوالفضل ایلچی بیگ، زمینه را برای نفوذ رژیم صهیونیستی هر چه بیشتر فراهم ساخته بود. البته به رغم تمام تبلیغاتی که توسط امپراتوری رسانه ای صهیونیست ها در سطح جهان از جمله قفقاز می شود، انزجار از رژیم صهیونیستی در میان مردم باکو و سایر شهرها و مناطق مانند گنجه، لنکران، و ... مشهود است. از این رو نیز رژیم صهیونیست در ابتدا کوشید از کانال ترکیه وارد باکو شده و این کشور را مرکز ثقل سیاست های خود در قفقاز قرار دهد. اتحاد سه جانبه آنکارا، باکو و رژیم صهیونیستی نیز در این راستا مطرح شده است. رژیم صهیونیستی علاوه بر استفاده از ترکیه، برای نفوذ و حضور در جمهوری آذربایجان به دو حربه اقتصاد و اشاعه دموکراسی نیز تمسک جسته است. در این راستا قراردادهای مختلف اقتصادی میان رژیم صهیونیستی و دولت باکو و نیز میان شرکت های دو طرف امضا شده است. تل آویو در پوشش این فعالیت های اقتصادی و صدور فناوری های جدید، اهداف امنیتی خود را تعقیب کرده است. از این رو، جای تعجب نیست که فعالیت های کشاورزی رژیم صهیونیستی در اراضی نزدیک به ایران متمرکز است و یا فعالیت های مخابراتی رژیم صهیونیستی در اراضی و شهرهای مرزی نزدیک به ایران متمرکز است. رژیم صهیونیستی از طریق نهادهایی نظیر سوروس و سوختوت و سلام - شالوم به بهانه اشاعه دموکراسی و همچنین در چارچوب مؤسسات به ظاهر خیریه، به دنبال پیگیری اهداف توسعه طلبانه خود در کشور است و این گونه فعالیت های رژیم صهیونیستی به ویژه پس از درگذشت حیدر علی اف، به شدت در این کشور افزایش یافته است. در این میان، به رغم ناخشنودی جهان اسلام، دولت باکو در دوران حکومت علی اف ها سطح مناسبات خود را با رژیم صهیونیستی کاهش نداده است. حال آنکه ترکیه که مناسباتی به مراتب عمیق تر با رژیم صهیونیستی داشته است، بارها این اقدام را در شیوه های مختلف انجام داده است. دلیل این امر در وهله اول دشمنی دولت باکو با ارزشهای اسلامی و هراس از رویکرد جدی مردم به آموزه های دینی است که می تواند برای دولت ضددینی باکو مشکلات جدی فراهم کند و در وهله بعد اهداف اقتصادی، سیاسی و نظامی است که باکو از مناسبات با رژیم صهیونیستی دنبال می کند. اما هیچ کدام از انتظارات باکو تحقق نیافته است و نه تنها از سرمایه گذاری های کلان و سودمند اسرائیل در اقتصاد باکو خبری نیست، بلکه حضور شرکت های اسرائیلی در اراضی اشغالی و به نفع جدایی طلبان قره باغ، همچون خنجر از پشت به باکو محسوب می شود. اسرائیل به خاطر ملاحظات در مناسبات با ارمنستان از فروش تجهیزات نظامی قابل توجه به باکو خودداری و حتی چندین بار رأی مثبت به تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان (جمهوری آذربایجان) نیز نداده است و به لغو مصوبه 907 آمریکا که درخواست مکرر باکو از لابی یهودی است، کمکی نکرده است. (طبق این مصوبه دولت باکو از برخی کمکهای آمریکا محروم است) این در شرایطی است که رژیم صهیونیستی اهداف گسترده و تنش زایی در جمهوری آذربایجان (جمهوری آذربایجان) دنبال کرده و می کند. خلل در مناسبات ایران با باکو، تخریب وجهه ایران، تضعیف گروه های اسلامی و تقویت فرقه های ضاله نظیر بهایی ها، تلاش برای جلب همکاری دولت باکو در مجامع بین المللی، خارج کردن خود از بحران مشروعیت سیاسی، جلوگیری از تشکیل جبهه ضد اسرائیلی در قفقاز و گسترش سطح تماس با برخی کشورهای اسلامی به منظور ایجاد تفرقه میان آنها و ترویج تفکرات صهیونیستی از جمله اهدافی هستند که رژیم صهیونیستی در خصوص قفقاز و دولت باکو دنبال می کند. آنچه مسلم است اینکه اقدامات رژیم صهیونیستی، عملاً نتوانسته در کاهش انزجارها از این رژیم نقشی داشته باشد و افزایش استقبال مردم جمهوری آذربایجان (جمهوری آذربایجان) از مراسم روز جهانی قدس که هر سال تکرار می شود، هر چه بیشتر دولتمردان رژیم صهیونیستی را نگران ساخته است.

**پی نوشت ها:**

1. شیخ عطار، علیرضا. « ریشه های رفتار سیاسی در قفقاز و آسیای مرکزی»، نشر دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران، 1371.

2. E. Naye

3. Ruman Beronfeman

4. کاظمی، احمد. « گرجستان در التهاب سیاسی» نشریه سیاسی نظامی، شماره 270، سال نوزدهم، (بهمن 1382).